

جرم دعوت به خودکشی در حقوق کیفری ایران

ابوالحسن شاکری* - ماندانا رستگاری**

(تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۷)

چکیده

قانونگذار با تصویب قانون جرایم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸ دعوت به خودکشی را جرم‌انگاری نمود. مطابق با این قانون، برای اینکه دعوت به خودکشی جرم باشد، باید منحصراً از طرق سامانه‌های رایانه‌ای، مخابراتی و حامل‌های داده به عمل آید. در دعوت به خودکشی، روش خودکشی موضوعیت ندارد و تفاوتی ندارد که خودکشی با روش موردنظر دعوت‌کننده محقق شود یا نشود. دعوت به خودکشی مقید به نتیجه نیست، هرچند برای تحقق آن سوءنیت خاص که متضمن قصد خاص دعوت به خودکشی باشد ضروری است. پیمان خودکشی چنانچه متضمن دعوت به خودکشی با ابزارهای رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده باشد جرم است. دعوت مشروط نیز دعوت به خودکشی است. برگشت از دعوت نمی‌تواند موجب زوال جرم شود.

واژگان کلیدی: دعوت، خودکشی، سامانه، رایانه، مخابرات، داده.

* دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

Email: Shakeri-criminai law@yahoo.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران

Email: avocate.88@gmail.com

مقدمه

هر جامعه‌ای برای حفظ و صیانت خود و برقراری مناسبات سالم و هماهنگی میان افراد و نهادهای اجتماعی به وضع قوانین می‌پردازد (اردبیلی، ۱۳۸۶: ۱۲۱)، جرم، نقض آن قوانینی است که جامعه در جهت حفظ ارزش‌های اساسی تعیین کرده است. حفظ جان انسان‌ها از ارزش‌های اساسی جامعه است و دعوت به خودکشی از طریق فضای مجازی، نقض این ارزش است.

خودکشی به حالتی از مرگ اطلاق می‌شود که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم عملی است که شخص قربانی، آن را انجام داده و از نتیجه عملش آگاه بوده است (آرون، ۱۳۸۱: ۳۷۶)، این عمل در غالب سیستم‌های حقوقی جرم نیست. در شریعت اسلام، مستند به آیه ۲۹ سوره نساء در قرآن... لا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ...^۱، خودکشی نهی شده و تحقیقاً، نادیده گرفتن آن، موجب عقوبت اخروی است (طباطبائی، بی تا: ۴۷۸). در قوانین جزایی ایران اعم از قانون مجازات مصوب سال‌های ۱۳۰۴ و ۱۳۵۲ و قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۲ و قوانین مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ نیز راجع به خودکشی، جرم و مجازاتی پیش‌بینی نشده بود و چون خودکشی جرم نبود، معاونت در خودکشی هم جرم نبود. ولی در سال ۱۳۸۸ قانونگذار با تصویب قانون «جرایم رایانه‌ای» که از این پس ق.ج.ر نامیده می‌شود، در بند (ب) ماده ۱۵ این قانون، دعوت به خودکشی را جرم‌انگاری نمود.

تحقیقاً این ماده، پاسخ‌گوی تمامی مباحث و ابهامات مربوطه نیست، لذا سؤالات مهمی در این خصوص مطرح است: دعوت به خودکشی، تابع نظریه مجرمیت مستقل است یا نظریه مجرمیت عاریه‌ای؟ آیا پیمان خودکشی، دعوت به خودکشی محسوب می‌شود؟ آیا برگشت از دعوت به خودکشی موجب زوال جرم می‌شود؟

قبل از طرح بحث لازم به ذکر است، تحقق جرم دعوت به خودکشی منوط به احراز شرایط خاصی است که از آن‌ها به عناصر نام می‌بریم. از لحاظ نظری، مهم‌ترین عنصر هر جرمی، عنصر قانونی آن، یعنی مستندات قانونی است که در این خصوص فقط می‌توان به ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ در بند (ب) به شرح زیر اشاره کرد:

«هر کس از طریق سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر

شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد:

۱. خودتان را نکشید ...

(ب) چنانچه افراد را به ارتکاب جرائم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کند یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نودویک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می شود».

در نگاهی کلاسیک، برخی از مفاهیم مذکور در این ماده، مادی و برخی دیگر روانی هستند که تماماً از قانون قابل فهم است. به عبارت دیگر، عناصر مادی و روانی جرم دعوت به خودکشی، برگرفته از عنصر قانونی و قسیم آن است و هرگز در عرض و مستقل از آن نیست، لذا بعد از وضع مستندات قانونی جرم، نوبت به درک مفاهیم مقوم آن یعنی عناصر مادی و روانی و سپس احراز انطباق آنها با موضوع می رسد که بحث دیگری است. تقسیم مفاهیم مقوم جرم، به عناصر مادی و روانی، به معنی استقلال و جدایی تحقق آنها در عمل نیست، یعنی در واقعیت نمی توان هریک از عناصر مادی جرم را بدون لحاظ عنصر روانی آن محقق دانست. گویا هریک از عناصر مادی و عناصر روانی جرم، هم زمان و توأمان واقع می شوند و فقط عقل است که می تواند آنها را از یکدیگر انتزاع و نمایه سازد. از این رو، در ضمن بررسی هریک از عناصر مادی جرم دعوت به خودکشی، به عنصر روانی آن هم توجه شده است.

در این مقاله سعی شده است با لحاظ مبانی و موازین حقوقی، به سؤالات فوق و دیگر ابهامات وارده، تحت عنوان دعوت به خودکشی، صراحت دعوت، اطلاق دعوت، ابزار دعوت، مباشرت در دعوت، معین بودن مخاطب دعوت، دعوت به معاونت در خودکشی و دعوت به خودزنی که منجر به مرگ شود، به شرح زیر، مورد بررسی قرار گیرد.

۱. دعوت به خودکشی

دعوت در اصل، ریشه ای عربی دارد (دع و) و در لغت به معنای خواندن و طلب کردن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۷: ۱۰۹۳۰). دعوت کسی به خودکشی لزوماً معاونت در خودکشی نیست، از این جهت که معاونت در جرم در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی تعریف شده است که با هریک از مفاهیم ترغیب، تطمیع، تحریک، دسیسه، فریب، تهیه یا ساختن وسیله ارتکاب جرم، ارائه طریق ارتکاب جرم و تسهیل وقوع جرم محقق می شود که غیر از دعوت است، بدین

معنی که دعوت لزوماً با تحریک شدن مخاطب همراه نیست یا اینکه لزومی ندارد که خودکشی کننده با دعوت تطمیع شده باشد و نیازی نیست که دعوت کننده مضاف بر دعوت کردن با دادن انگیزه‌های مالی یا مادی، شخص را مصمم به ارتکاب خودکشی کند و حتی لزومی ندارد که این دعوت توأم با اصرار یا تأکید باشد، بلکه صرف دعوت به خودکشی کفایت می‌کند. با این توصیف می‌توان هر یک از مفاهیم معاونت در جرم را اخص از دعوت دانست. مهم‌ترین وجه تمایز دعوت از معاونت در جرم قتل عمدی، در نتیجه و تعاقب آن‌ها است، به این معنی که زمانی جرم معاونت در قتل واقع می‌شود که جرم اصلی یعنی قتل عمدی محقق شود، در حالی که در دعوت به خودکشی این چنین نیست که حتماً خودکشی محقق شود. البته دعوت همچون معاونت باید نوعاً مؤثر باشد. میزان تأثیر دعوت، به اوضاع و احوال و خصوصیات روانی و موقعیت و رابطه دعوت کننده و دعوت شونده بستگی دارد. بنابراین دعوت، مبنی و مسبوق به ارتباط قبلی میان طرفین است و بالبدایه دعوت به خودکشی محقق نمی‌شود و احراز آن امری موضوعی و موکول به تشخیص قاضی است.

در دعوت به خودکشی، روش اجرای خودکشی نیز از اهمیت برخوردار نیست و موضوعیت ندارد زیرا واژه دعوت اطلاق دارد و مقید به انجام روش خاصی نشده است. به عنوان مثال، «الف» با پیامک تلفن همراه خود، «ب» را دعوت به خودکشی با قرص کشنده‌ای می‌کند. «ب» بعد از خواندن متن پیامک، خودش را با اسلحه می‌کشد یا حتی نکشد. در اینجا دعوت به خودکشی واقع شده است زیرا آنچه اهمیت دارد، دعوت است، صرف نظر از اینکه خودکشی با روش مورد نظر دعوت کننده محقق شود یا خیر.

صرف بیان روش خودکشی، بدون دعوت کردن مخاطب، داخل در مفهوم دعوت به خودکشی نیست. به عبارت بهتر، زمانی که «الف» نامه‌ای به پست الکترونیکی «ب» ارسال می‌دارد و در آن روش‌های مختلف خودکشی را بیان می‌دارد، به دلیل فقدان دعوت، مشمول بند (ب) ماده ۱۵ ق. ج. ر نمی‌شود.

دعوت، رفتاری مثبت است و با ترک فعل نمی‌توان کسی را دعوت به خودکشی کرد. این رفتار نیز باید عمداً و با قصد دعوت به خودکشی همراه باشد، یعنی دعوت کننده با علم به دعوت و آگاهی به مفهوم الفاظ یا نوشته‌هایی که به کار می‌گیرد و همچنین اراده به دعوت و با خواست تحقق خودکشی، شخص مخاطب را دعوت به خودکشی نماید زیرا دعوت کننده از اراده خود به دنبال اثر و نتیجه یعنی خودکشی دعوت شونده است، هر چند



که مخاطب، خودکشی نکند یا عملیات خودکشی به هر دلیلی ناموفق بماند. به بیان دیگر، باوجودی که دعوت به خودکشی جرم مطلق است و نیاز به تحقق نتیجه ندارد، دعوت کننده باید سوءنیت خاصی داشته باشد تا با اجماع شرایط، مجرم شناخته شود.

دعوت به خودکشی اگر طرفینی باشد، می تواند پیمان خودکشی محسوب شود. در حقوق ایران از پیمان خودکشی سخنی به میان نیامده است، درحالی که در قانون قتل مصوب ۱۹۵۷ انگلستان، این عمل، جرم انگاری شده است (براندون، ۱۹۹۴: ۸۵). در بخش ۴ بند ۳ این قانون، این عمل تعریف شده است: «پیمان خودکشی عبارت است از توافق مشترک بین دو یا چند نفر با هدف کشته شدن همه آنها، اعم از اینکه هر یک بخواهد جان خود را بگیرد یا خیر، لیکن آنچه را که شخص واردشونده به یک پیمان خودکشی انجام می دهد، نمی توان پیمان خودکشی تلقی کرد، مگر آنکه در حالی انجام شود که عزم راسخ (مقصود، سوءنیت خاص از این پیمان است) او مردن در پی آن پیمان بوده است^۱. مثلاً دو یا چند نفر از طریق کنفرانس ویدیویی با هم توافق می کنند که به زندگی خود پایان ببخشند، یکی از آنها (الف) با چاقویی رگ دست خود را می زند و جان می سپارد، دیگری، (ب)، از این کار منصرف شده و دست به هیچ اقدامی نمی زند. در قانون انگلستان به موجب ماده فوق، این عمل نسبت به «ب» پیمان خودکشی تلقی نمی شود، مگر آنکه ثابت شود که عزم راسخ^۲ او مردن در پی آن پیمان بوده است. پیمان به خودکشی ممکن است پیمان به کشتن یکدیگر در لحظه ای از زمان باشد. به موجب بخش ۱ (۴) قانون «قتل»: کسی که متعاقب یک پیمان خودکشی که بین او و دیگری منعقد شده است دیگری را کشته یا در کشته شدن او توسط شخص ثالثی شرکت می کند، محکوم به ارتکاب قتل غیر عمد خواهد بود، نه قتل عمد^۳، درحالی که در حقوق کیفری ایران، این نوع کشتن،

1. 4.(3) For the purposes of this section "suicide pact" means a common agreement between two or more persons having for its object the death of all of them, whether or not each is to take his own life, but nothing done by a person who enters into a suicide pact shall be treated as done by him in pursuance of the pact unless it is done while he has the settled intention of dying in pursuance of the pact.

2. Settled Intention.

3. (1) It shall be manslaughter, and shall not be murder, for a person acting in pursuance of a suicide pact between him and another to kill the other or be a party to the other killing himself or being killed by a third person.

هرچند ناشی از پیمان به خودکشی باشد، قتل عمدی و موجب قصاص است و اگر پیمان به خودکشی به همان معنای واقعی خود باشد، یعنی اینکه طی توافقی هر کس خودش را بکشد، بدین نحو که «الف» و «ب» با یکدیگر در اتاق گفت‌وگوی اینترنتی هم‌صحبت شوند و با یکدیگر پیمان خودکشی ببندند، بدین گونه که در یک زمان معین هریک خود را بکشد، اگر یکی از آن‌ها (الف) به هر علتی خود را نکشد، با توجه به اینکه هر پیمان متضمن دعوت است، پس پیمان به خودکشی، دعوت به خودکشی محسوب و با اجرای آن و بابت کشته شدن یکی، دیگری مرتکب جرم دعوت به خودکشی شده است.

۲. صراحت دعوت

دعوت ممکن است شفاهی یا کتبی باشد. در هریک از دو حال باید صریح باشد و ضمنی بودن آن کفایت نمی‌کند. برای مثال، «الف» فیلم کوتاهی از خودکشی دیگری به آدرس الکترونیکی «ب» می‌فرستد و همچنین اضافه می‌کند: امیدوارم که این فیلم برای ت مفید واقع شود. در این مثال، دعوت به خودکشی محقق نشده است، زیرا «الف» نه کتباً و نه شفاهاً «ب» را به صراحت، دعوت به خودکشی ننموده است. همچنین لزومی ندارد که دعوت به خودکشی، در لفظ نیز دلالت بر خودکشی داشته باشد. صرف اینکه مفهوم دعوت، به خودکشی دلالت کند، کافی است. به عبارت دیگر، لفظ «دعوت»، موضوعیت ندارد. حتی صرف داشتن قصد دعوت به خودکشی، بدون رفتار مؤید آن، کفایت نمی‌کند بلکه این قصد باید صراحتاً با رفتاری که دلالت بر دعوت به خودکشی کند، به منصفه ظهور برسد.

شاید این تردید پیش آید که آیا علامت‌های قراردادی مابین طرفین حتی اگر مفهوم آن‌ها عرفاً دلالت بر خودکشی نکند، باز هم با توجه به توافق طرفین، دعوت به خودکشی محسوب می‌شود؟ مثلاً «الف» و «ب» با هم توافق می‌کنند که در صورتی که «الف» پیام کوتاهی حاوی علامت (■) به «ب» ارسال نمود، این علامت دال بر دعوت به خودکشی است و اگر پیامک حاوی علامت (□) بود، بر عدم دعوت به خودکشی دلالت می‌کند. به نظر می‌رسد که توافق فی‌مابین کفایت نمی‌کند و حتی علامت‌های قراردادی هم باید عرفاً دلالت صریح بر دعوت طرف دیگر به خودکشی کنند.



دعوت به خودکشی با پیشنهاد به خودکشی تفاوت دارد، هرچند که تفکیک این دو کمی دشوار به نظر می‌رسد. در پیشنهاد، صراحت و جهت مستقیم به انجام عمل خاص وجود ندارد. مثلاً زمانی که «الف» به «ب» از طریق تلفن که یک سامانه مخابراتی است، می‌گوید: «حالا بد نیست خودت را بکشی»؛ در این حالت دعوت به خودکشی واقع نشده است بلکه صرفاً یک پیشنهاد است زیرا مخاطب در مواجهه با فقط یک گزینش (یعنی خودکشی) نیست و منجزاً و صراحتاً مخاطب به خودکشی فرا خوانده نمی‌شود. به عبارت دیگر، دعوت صریح و منجز یا جهت‌دار به خودکشی است، بدون اینکه دعوت‌شونده را در مسیر دو یا چند راهی انتخاب انجام خودکشی یا عدم انجام آن قرار دهد، به طوری که با اطلاع از این دعوت، فقط خود را در گزینش و اجرای مفاد آن یعنی خودکشی ببیند و الا آن را نباید دعوت، بلکه یک پیشنهاد دانست. دستور به خودکشی هم دعوت به خودکشی است زیرا در دستور به خودکشی هم دعوت نهفته است ولی آمرانه و متجاوز از حدود متعارف است. این خصوصیت اضافی، نافی دعوت نیست. به عبارتی چون دعوت به خودکشی، اخص از دستور به خودکشی است، پس دستور به خودکشی با استفاده از ابزارهای موردنظر قانونگذار نیز موجب تحقق جرم می‌شود.

ممکن است این ابهام پیش آید که آیا برگشت از دعوت به خودکشی می‌تواند موجب زوال جرم شود؟ «الف» با اطلاع از قصد «ب» به خودکشی، از طریق تلفن او را دعوت به خودکشی می‌کند، «ب» نیز در همان لحظه دستش را روی ماشه می‌گذارد و اسلحه را به طرف خود می‌گیرد. «الف» ناگهان پشیمان شده و سعی می‌کند او را از انجام این کار منصرف کند. «ب» به او توجهی ننموده و با آن اسلحه، خودش را می‌کشد. در این خصوص باید گفت عنصر مادی جرم دعوت به خودکشی در یک لحظه واقع شده است زیرا این جرم آنی است. با لحاظ تعریف جرم فوری (آنی) مبنی بر اینکه عنصر مادی جرم در یک لحظه واقع می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۱۶۳)، باید گفت که این جرم محقق شد و پشیمانی «الف» بعد از اتمام فرآیند فعل دعوت بوده است و تأثیری در مسئولیت کیفری وی ندارد. به عبارت دیگر، دعوت به خودکشی انجام شده است، هرچند که خودکشی واقع نشود.

۳. اطلاق دعوت

در حقوق کیفری، زمانی که عملی جرم‌انگاری می‌شود، از اولین مباحثی که مطرح می‌شود، بحث اطلاق یا تقیید آن است. در دعوت به خودکشی نیز این بحث مطرح است.

چنانچه تحقق جرم مقید به ایجاد نتیجه‌ای باشد، مانند ربایش مال در سرقت که مقید به ضرر است یا عمل کشتن در قتل که مقید به ازهاق نفس است، جرم را مقید می‌نامند و اگر صرف انجام عمل مجرمانه صرف‌نظر از ایجاد نتیجه جرم باشد، مطلق است. (نوربها، ۱۳۸۷: ۲۳۲) در واقع، صحیح است که برای تحقق جرم، باید عنصر مادی وجود داشته باشد ولی لزومی ندارد که عمل مادی منجر به نتیجه زیانباری شده باشد تا جرم محقق شود. از این جهت سه فرض را با لحاظ بند «ب» ماده ۱۵ ق.ج.ر می‌توان متصور شد: فرض اول این است که «الف»، «ب» را به خودکشی دعوت می‌نماید و «ب» نیز اقدام به خودکشی می‌نماید و در پی آن، «ب» جان خود را از دست بدهد. فرض دوم این است که باوجود دعوت «الف» به خودکشی «ب» و اقدام به خودکشی فرد مذکور، نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود و در فرض سوم هم علی‌رغم دعوت «الف» به خودکشی، «ب» اقدام به خودکشی نمی‌کند. به نظر می‌رسد پاسخ این مباحث را باید در حدود بند (ب) ماده ۱۵ ق.ج.ر در تبعیت دعوت به خودکشی از نظریه مجرمیت مستقل پیگیری کرد. در تمامی این حالات، حتی اگر مخاطب هیچ اقدامی نکند یا به‌طریق‌اولی حتی اگر اقدام به خودکشی کند و موفق باشد یا حتی خودکشی ناموفق باشد، عمل دعوت‌کننده مشمول بند (ب) ۱۵ ق.ج.ر قرار می‌گیرد.

اینکه دعوت به خودکشی تابع نظریه مجرمیت مستقل است یا عاریه‌ای؛ در ابتدا باید گفت هر کس با لحاظ جمع عناصر خاصی مرتکب جرم و مجرم شناخته می‌شود. اینکه مجرم بودن یک شخص، وابسته به مجرم‌بودن شخص دیگری باشد، دور از منطق حقوقی است. قانونگذار ایران در ق.م.ا در مورد معاونت در جرم به‌طور استثنائی از این منطق عرفی و عقلایی عدول کرده است و معاون را زمانی مجرم می‌شناسد که مباشر، جرم اصلی را مرتکب شده باشد. از این جهت در حقوق ایران با توجه به تبصره ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی، معاونت، جرم مستقلی به‌شمار نمی‌رود، مخصوصاً که در تبصره این ماده از وحدت قصد بین مباشر و معاون صحبت شده است. این بدین معنی است که جرم باید توسط مباشر واقع شود تا وحدت قصدی بین مباشر و معاون جرم به وجود آید و الا اگر جرم توسط مباشر واقع نشود وحدت قصدی از این جهت به وجود نمی‌آید تا بر اساس آن معاونت واقع شود. در واقع اگر تبصره ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی نبود، جا داشت که در حقوق ایران نیز برای معاونت، از نظریه مجرمیت مستقل استفاده شود که این چنین

نیست. در ماده ۱۵ ق.ج.ر چنین تبصره‌ای وجود ندارد. یعنی با وجود اینکه قانونگذار، برخی از مصادیق معاونت در خودکشی را با شرایطی جرم‌انگاری نمود، از وحدت قصد بین مباشر و معاون جرم، حرفی به میان نیاورد. بنابراین دعوت به خودکشی تابع نظریه مجرمیت مستقل است.

همیشه در مقابل مطلق بودن، مقید بودن به نتیجه قرار ندارد بلکه گاهی در مقابل مطلق، مقید بودن به شرط است. دعوت، حتی اگر مشروط به وقوع امری باشد، به دلیل اطلاق آن در ماده، باز دعوت به خودکشی واقع شده است، هرچند ممکن است خودکشی در زمان تحقق شرط واقع شود یا حتی در زمان بعد هم واقع نشود؛ چون خودکشی یا عدم خودکشی تأثیری در مجرمیت دعوت کننده ندارد و مقید به نتیجه نیست. مثلاً زمانی که «الف» به «ب» می گوید: اگر همسرت از تو تقاضای طلاق کرد، خودت را از بین ببر، دعوت به خودکشی واقع شده است. نکته قابل توجه در شرط این است که لزومی ندارد که شرط، استقبالی باشد، بدین معنی که حتماً مربوط به آینده باشد بلکه به گذشته یا حال هم می توان شرط کرد. پس اگر دعوت به خودکشی معلق به عدم پذیرش در آزمون استخدامی باشد، در حالی که آزمون، هفته پیش برگزار شده باشد، باز دعوت واقع شده است، گویا هیچ شرطی وجود نداشته است. همچنین شرط احتمالی کفایت می کند. به عبارت دیگر، شرط محتمل الوقوع هم کافی است. در جایی که خودکشی معلق به یک نظم طبیعی می شود، مثل حالتی که دعوت کننده بگوید: اگر صبح خورشید طلوع کرد، خود را بکش، باز دعوت به خودکشی واقع شده است ولی اگر خودکشی معلق به امر محالی شد، دعوت به خودکشی واقع نشده است، مثل اینکه دعوت کننده به مخاطب خود بگوید: اگر خورشید فردا طلوع نکرد، خودت را از بین ببر؛ زیرا که در این گونه موارد، قصد دعوت وجود ندارد.

۴. ابزار دعوت

سامانه‌های رایانه‌ای، مخبراتی یا حامل‌های داده، ابزارهایی هستند که قانونگذار در ماده ۱۵ ق.ج.ر از آنها به عنوان ابزار خاص ارتکاب جرم دعوت به خودکشی نام برده است. خصوصیات مشترک این ابزارها، امکان ارائه اطلاعات است، که ممکن است به صورت متن، صوت یا تصویر باشد. با متن و صوت می توان افراد را به خودکشی دعوت کرد، اما

اینکه با نشان دادن تصویر بتوان شخصی را دعوت به خودکشی کرد، محل تردید و جای تأمل است. این وسایل حصری‌اند و مطابق با قانون عبارت‌اند از: سامانه‌های رایانه‌ای، سامانه‌های مخابراتی و حامل‌های داده. اینها تنها ابزارهایی هستند که اگر برای دعوت به خودکشی مورد استفاده قرار گیرند، جرم واقع می‌شود. اهمیتی ندارد دعوت مذکور شفاهی از طریق تلفن به عمل آید یا اینکه کتباً از طریق پست الکترونیکی یا پیام کوتاه^۱ ارسال شود. مفهوم مخالف آن این است که صرف دعوت به خودکشی بدون استفاده از آن‌ها جرم نیست. شایسته‌تر آن بود که قانونگذار، دعوت به خودکشی را محدود به استفاده از این ابزارها نمی‌کرد و آن را بدون استفاده از هر وسیله‌ای جرم می‌دانست زیرا وقتی دعوت به خودکشی با استفاده از تلفن، ایمیل یا پیامک، جرم باشد، به‌طریق‌اولی باید دعوت به خودکشی بدون استفاده از آن‌ها هم جرم باشد؛ که در قانون حاکم این چنین نیست و وسیله دعوت مذکور در قانون موضوعیت دارد.

این نکته را نیز باید در نظر گرفت که ملاک تشخیص این سامانه‌ها، در انطباق با قانون، عرف است. تحقیقاً عرف خاص (اهل فن) بر عرف عام ترجیح دارد. اگر عرف خاص یعنی نظریه کارشناسی بگوید که سامانه‌ای، سامانه رایانه‌ای است، دیگر رجوع به عرف عام ضرورتی ندارد و غالب بر آن است. مثلاً رادیو یا تلویزیون از دیدگاه اهل فن، هم سامانه رایانه‌ای و هم سامانه مخابراتی است، هر چند که در عرف عام، مردم این دو را تحت هیچ‌یک از دو عنوان فوق نمی‌شناسند و همین طور بالعکس هم ممکن است. در قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ هیچ‌یک از این ابزارها تعریف نشده است اما در قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، کنوانسیون جرایم سایبر (۲۰۰۱) و همچنین لایحه قانونی مجازات جرایم رایانه‌ای، به‌طور مختصر به تعریف آن‌ها پرداخته شده است، که به آن‌ها اشاره می‌شود.

۴-۱. سامانه‌های رایانه‌ای

بند (و) ماده ۲ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ مقرر داشته است: «سامانه رایانه‌ای^۲ هر نوع دستگاه یا مجموعه‌ای از دستگاه‌های متصل سخت‌افزاری-نرم‌افزاری

1. Short Message Service
2. Computer system



است که از طریق پردازش خودکار داده عمل می‌کند». این ماده مطابق با بند (a) کنوانسیون جرایم سایبر^۱ (۲۰۰۱) تنظیم شده است که سامانه رایانه‌ای را چنین تعریف می‌کند: هر گونه ابزار یا مجموعه‌ای از ابزارهای مرتبط و متصل به هم است که مطابق با یک برنامه، پردازش خودکار داده‌ها را انجام می‌دهد.^۲ این دو تعریف هیچ تفاوت ماهوی با یکدیگر ندارند بلکه هر دوی آنها بیانگر این مهم هستند که سامانه رایانه‌ای، یک سامانه ارتباطی است که از سه بخش سخت‌افزار^۳، نرم‌افزار^۴ و شبکه^۵ تشکیل شده است که به کاربر خود اطلاعات ارائه می‌دهد؛ از مصادیق سامانه رایانه‌ای می‌توان به تبلت^۶، نوت بوک^۷، رایانه‌های شخصی^۸، لپ‌تاپ^۹ و (Voip) اشاره کرد.^{۱۰} مثلاً مورد اخیر که به کاربر خود این امکان را می‌دهد که با استفاده از اینترنت، با دیگران مکالمات تلفنی داشته باشد، یک سامانه رایانه‌ای است زیرا سه جزء رایانه را داراست.

در مقابل سامانه‌های رایانه‌ای، سامانه‌های مکانیکی و ... قرار دارند که تحت شمول ماده ۱۵ ق.ج.ر قرار نمی‌گیرند مانند ارسال و مراسلات نامه‌های کاغذی، مورس، تایپ دستی و هر وسیله دیگر که منصرف از بحث و قانون حاضر است.

۲-۴. سامانه‌های مخابراتی

بند (ب) ماده یک پیش‌نویس قانون جرایم رایانه‌ای مقرر می‌دارد: «سیستم مخابراتی^{۱۱} هر نوع دستگاه یا مجموعه‌ای از دستگاه‌ها برای انتقال الکترونیکی اطلاعات میان منبع و

1. Convention on Cybercrime
2. a "computer system" means any device or a group of interconnected or related devices, one or more of which, pursuant to a program, performs automatic processing of data.
3. Hardware
4. software
5. Network
6. Tablet
7. Notebook
8. Personal Computer
9. Laptop
10. Voice over Internet protocol, a technology for making telephone calls over the Internet in which speech sounds are converted into binary.
11. Communication System

یک گیرنده یا آشکارسازی نوری از طریق یک یا چند مسیر ارتباطی است که برای گیرنده قابل فهم و تفسیر باشد. در واقع سامانه مخابراتی در جایی استفاده می‌شود که با استفاده از آن می‌توان اطلاعات مورد نیاز را از جایی که دسترسی فیزیکی به آن نیست، به دست آورد. از مصادیق شایع این سامانه‌ها می‌توان به تلفن‌های ثابت و همراه امروزی، واکسی تاکسی^۱ (بیسیم) و ... اشاره کرد.

نکته قابل ذکر این است که بین سامانه‌های رایانه‌ای و سامانه‌های مخابراتی مرز قابل تفکیکی وجود ندارد. به عنوان مثال «Voip» یا آنژیوگرافی، نوعی از دستگاه‌های مهندسی پزشکی^۲ است که برای شناسایی گرفتگی رگ‌های قلب به کار می‌رود. این دستگاه، هم سامانه رایانه‌ای است و هم سامانه مخابراتی. به این دلیل سامانه مخابراتی محسوب می‌شود که متن و صوت، تبدیل به داده‌های دیجیتال می‌شود و به مقصد مورد نظر منتقل می‌شود و سامانه رایانه‌ای هم هست زیرا سه جزء اصلی رایانه را داراست. البته نباید تصور کرد که هر سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی، می‌تواند به عنوان وسیله دعوت مورد استفاده قرار گیرد، بلکه صرفاً مصادیقی مورد نظر است که بتواند اطلاعات خاصی را که در عرف، دلالت بر خودکشی کند، به صورت متن یا صوت به دیگری منتقل کنند.

۳-۴. حامل‌های داده

در قوانین مختلف اعم از قانون تجارت الکترونیکی یا قانون جرایم رایانه‌ای، تعریفی از عبارت «حامل‌های داده»^۳ ارائه نشده است. در کنوانسیون جرایم سایبر نیز در بند (b)^۴ «داده» تعریف شده است که مشابه با تعریفی است که در بند (ج) ماده یک پیش‌نویس قانون مجازات رایانه‌ای آمده است. مطابق با این ماده، داده رایانه‌ای، عبارت است از هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم به شکلی مطلوب برای پردازش در یک سامانه رایانه‌ای که باعث می‌شود سامانه رایانه‌ای کارکرد داشته باشد. حامل‌های داده، مجموعه‌ای گوناگون از وسایل ذخیره‌سازی اطلاعات است که قابلیت حمل دارند و می‌توان به سادگی

1. Walkie-talkie

2. Angiography

3. Data carrier

4. b "computer data" means any representation of facts, information or concepts in a form suitable for processing in a computer system, including a program suitable to cause a computer system to perform a function.



آن‌ها را از یک رایانه به رایانه دیگر منتقل ساخت مانند دیسک نرم^۱، دیسک سخت^۲، لوح فشرده^۳، نوار مغناطیسی^۴، دیسک ویدیویی دیجیتال^۵ و حافظه^۶ که این حامل‌ها، هریک ظرفیت‌های خاصی برای ذخیره‌سازی اطلاعات دارند (برندن، ۱۳۸۵: ۴۲). با لحاظ عدم ذکر مصادیق حامل‌های داده توسط قانونگذار و همچنین با توجه به پیشرفت فناوری در طول زمان، این امکان وجود دارد که مصادیق جدیدی از حامل‌های داده در آینده به وجود آید.

با توجه به بند (ب) ماده ۱۵ ق.ج.ر، ممکن است حامل‌های داده به‌عنوان ابزاری برای دعوت به خودکشی مورد استفاده قرار گیرد. در این زمینه می‌توان به موردی اشاره کرد که فردی متنی را که دلالت بر دعوت به خودکشی دارد در یک حافظه ذخیره کند و به مخاطب خود دهد و بدین وسیله او را از متن آن مبنی بر دعوت به خودکشی آگاه کند.

۵. مباشرت در دعوت

با توجه به بند (ج) ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک (۱۳۸۲)، دعوت باید بی‌واسطه به عمل آید؛ بدین معنی که دعوت‌کننده باید دعوت را به مباشرت مرتکب شود، نه اینکه شخص دیگری را واسطه خود با دعوت‌شونده قرار دهد، مگر اینکه مفاد دعوت، عیناً به فرد موردنظر با استفاده از ابزارهای مذکور در قانون منتقل شود، هرچند از همان وسیله استفاده نشده باشد. به‌طور مثال اگر «الف» به «ب» ایمیلی ارسال نماید و در آن از او بخواهد پیغام او را مبنی بر دعوت به خودکشی به اطلاع «ج» برساند و او هم مفهوم ایمیل را به «ج» به‌صورت پیامک ارسال کند، دعوت به خودکشی واقع نشده است، هرچند که از ابزار موردنظر قانونگذار استفاده شده است. به‌عبارتی ملاک، انتقال عین پیام است و در این مورد، صرف استفاده از ابزارهای مذکور در ماده ۱۵ کفایت نمی‌کند. اما اگر در همین

1. Floppy Disk
2. Hard Disk
3. Compact Disk
4. Magnetic Tape
5. Digital Video Disk (DVD)
6. Flash Memory

۲۰۷/ج: مخاطب (Addressee): شخصی است که اصل‌ساز قصد دارد وی «داده پیام» را دریافت کند، اما شامل شخصی که در ارتباط با «داده پیام» به‌عنوان واسطه عمل می‌کند نخواهد شد.

مورد، «ب»، «عین پیام «الف» مبنی بر دعوت به خودکشی را به «ج» با پیامک ارسال دارد، دعوت به خودکشی توسط «الف» واقع شده است. در صورت وقوع خودکشی، «ب» تحت عنوان معاون در دعوت به خودکشی توسط «الف»، دارای مسئولیت کیفری است زیرا با توجه به بند (پ) ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی، موجب تسهیل وقوع جرم دعوت به خودکشی شده است.

۶. معین بودن مخاطب دعوت

مستند به ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی در قتل عمدی، اشتباه در هویت (شخصیت) مجنی علیه در نوع تقصیر جزایی بی تأثیر است. بدین معنی که نه عنوان جرم تغییر می کند و نه مسئولیت مرتکب زایل می شود (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۶۱). در دعوت به خودکشی نیز چنین است، بدین معنی که اگر دعوت کننده، فردی را (با لحاظ شرایط دعوت) به تصور اینکه «الف» است دعوت کند و بعد معلوم شود که این شخص «ب» بوده است، باز هم دعوت به خودکشی واقع شده است، چرا که اشتباه در هویت، اثری در وقوع جرم ندارد. باید در نظر داشت که این امر منافاتی با معین بودن مخاطب دعوت ندارد. «الف» از طریق پست الکترونیکی، «ب» را دعوت به خودکشی با استفاده از قرص کشنده ای کند ولی برادر «ب» که دسترسی به پست الکترونیکی وی دارد، تحت تأثیر دعوت او، علی رغم اینکه می داند مخاطب دعوت، شخص «ب» است، با استعمال قرص مورد نظر، خودش را می کشد. در این فرض، دعوت به خودکشی واقع نشده است زیرا مشخص بودن طرف دعوت و به علاوه مخاطب واقع شدن، شرط است و لذا نمی توان دعوت به خودکشی شخص یا اشخاص ناشناس را مشمول این ماده قرار داد. در این خصوص چون برای دعوت به خودکشی نمی توان شروع به جرم قائل شد، نسبت به «الف» هم شروع به جرم واقع نشده است. به بیان دیگر، لازم است فرد خاصی مورد خطاب قرار گیرد تا جرم محقق شود. مثل اینکه «الف» از

۱. ماده ۱۲۶: اشخاص زیر معاون جرم محسوب می شوند:

الف- هر کس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم نماید یا دسیسه و فریب یا سوء استفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.

ب- هر کس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

پ- هر کس وقوع جرم را تسهیل کند.

۲. اگر کسی به علت اشتباه در هویت، مرتکب جنایتی بر دیگری شود در صورتی که مجنی علیه و فرد مورد نظر، هر دو مشمول ماده ۳۰۲ این قانون نباشند، جنایت عمدی محسوب می شود.

طریق پست الکترونیکی «ب» را دعوت به استفاده از قرص کشنده‌ای کند، بعداً معلوم شود که چند لحظه قبل از ارسال پست الکترونیکی، «ب» به دلیل حمله قلبی فوت کرده است، در این حالت «ب» مخاطب قرار نگرفته است تا دعوت به خودکشی واقع شود یا در فرضی دیگر، «الف» نامه‌ای برای شخصی «ب» بنویسد، اما اشتبهاً آن را به پست الکترونیکی دیگری ارسال کند و او را دعوت به خودکشی کند و او هم از مفاد ایمیل آگاه شود؛ در این حالت نیز جرم واقع نشده است زیرا مخاطب دعوت، غیر از کسی است که آن را ملاحظه کرده است. شاید این ابهام پیش آید که آیا دعوت به خودکشی از طریق رادیو و تلویزیون امکان‌پذیر است یا خیر؟ با توجه به لزوم معین‌بودن مخاطب و با لحاظ رعایت شرایط دعوت، می‌توان گفت دعوت از طریق رادیو و تلویزیون هم امکان‌پذیر است مگر اینکه دعوت عام باشد یا مخاطب خاصی نداشته باشد.

اگر شخصی که دعوت به خودکشی می‌شود، مطلقاً مهدورالدم باشد، بدین معنی که نفس او به‌طور مطلق غیرمعصوم باشد، مثل کافر حربی (قدسی، ۱۳۹۰: ۱۵۲) یا صرفاً نسبت به دعوت‌کننده مهدورالدم باشد، در هر دو صورت، خونش نسبت به دعوت‌کننده هدر است زیرا مرتکبین جرائمی که اصولاً مجازات آن‌ها مرگ است احترام جان خود را از دست داده و از چتر حمایتی جامعه اسلامی خارج می‌شوند به‌طوری که در صورت تعرض به نفس آنان، جانی نسبت به قصاص و دیه هیچ مسئولیتی نخواهد داشت (خوانساری، ۱۴۰۵: ۲۴۰). در فرضی، محکوم به قصاص در ازای قتل «ج» است و اولیاء دم «ج»، طی یک مکالمه تلفنی او را دعوت به خودکشی می‌کند، او هم تحت تأثیر گفته‌های آن‌ها، خود را از بین ببرد، اولیاء دم مرتکب هیچ جرمی نشده‌اند زیرا منظور قانونگذار از ذکر واژه «افراد» در بند (ب) ماده ۱۵ ق.ج.ر، انسانی بوده است که مورد حمایت قانون باشد، نه اینکه خود نسبت به دعوت‌کننده، مهدورالدم باشد. اما اگر شخص دیگری غیر از اولیاء دم، قاتل را دعوت به خودکشی کند، با توجه به اینکه خون قاتل، صرفاً در برابر اولیاء دم هدر است، مرتکب جرم، دعوت به خودکشی شده است، حتی اگر قاتل خود را از بین نبرد.

اگر شخصی که دعوت به خودکشی می‌شود، طفل غیرممیز یا مجنون باشد، این دعوت، به‌موجب قسمت اخیر ماده ۵۲۶^۱ ق.م.ا (۱۳۹۲)، دعوت به خودکشی محسوب

۱. ... در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و یا مانند آن‌ها باشد، فقط سبب ضامن است.

نمی‌شود بلکه دعوت‌کننده، سبب اقوی از مباشر است زیرا ارتکاب جرم به او منتسب است. در واقع درست است که در اینجا فعل توسط مجنون یا طفل غیرمميز انجام شده، لکن این اشخاص از خود اراده و اختیاری ندارند و متوجه عمل خود نیستند و در حقیقت آن‌ها به عنوان وسیله تلقی می‌شوند. اما اگر طفل ممیز، خودکشی‌کننده، مخاطب دعوت به خودکشی قرار گیرد، با لحاظ تبصره دو ماده ۳۷۵ ق.م.ا (۱۳۹۲)^۱، که مطابق با آن، مکروه دارای مسئولیت کیفری است و به حبس ابد محکوم می‌شود، می‌توان چنین گفت که در دعوت طفل ممیز به خودکشی نیز دعوت به خودکشی واقع شده است و دعوت‌کننده به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود هر چند طفل ممیز علی‌رغم اطلاع از دعوت خودکشی کند.

۷. دعوت به معاونت در خودکشی

این بحث را می‌توان با لحاظ لزوم استفاده از ابزارهای موردنظر قانونگذار، در مورد دعوت به خودکشی در چندین حالت مطرح کرد. در فرض اول، چنانچه «الف»، «ب» را دعوت به تحریک «ج» به خودکشی کند، این دعوت جرم نیست زیرا در حقوق ایران، خودکشی جرم نیست و به تبع آن، معاونت در آن نیز جرم محسوب نمی‌شود. یا در فرض دیگر، «الف»، «ب» را تحریک کند که «ج» را دعوت به خودکشی نماید، «الف» مرتکب جرم شده است زیرا طبق بند (ب) ماده ۱۵ دعوت به خودکشی جرم است و مرتکب به حبس از نودویک روز تا یک سال جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود. نتیجتاً فردی هم که «الف» را در این امر معاونت (تحریک) نموده است، مرتکب جرم معاونت در دعوت به خودکشی شده است. در فرض سوم نیز «الف»، «ب» را دعوت کند که «ج» را به خودکشی دعوت کند. در اینجا نیز، دعوت در دعوت به خودکشی جرم نیست زیرا در شق اول ماده ۱۲۶ مجازات اسلامی ایران،^۲ دعوت از مصادیق معاونت نیامده است مگر اینکه از حالت دعوت صرف خارج شود و به حد معاونت برسد، بدین معنی که در دعوت، یکی از مصادیق معاونت مانند تحریک، ترغیب و... نهفته باشد.

۱. اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد، عاقله او دیه مقتول را می‌پردازد. در این مورد اکراه‌کننده به حبس ابد محکوم می‌شود.
 ۲. هر کس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم نماید یا با دسیسه و فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.

ابهامی که ممکن است مطرح شود این است که اگر «الف»، «ب» را تحریک به دعوت «ج» به خودکشی کند، هم تحریک و هم دعوت «ج» به خودکشی باید با وسایل مذکور در ماده ۱۵ ق.ج.ر باشد یا صرف اینکه یکی از این دو با استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده واقع شود، کفایت می‌کند؟ به نظر می‌رسد با توجه به مقصود مقنن از وضع ماده ۱۵ ق.ج.ر، صرف اینکه دعوت اصلی در خودکشی فرد خودکشی‌کننده از طرق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده صورت گیرد، برای تحقق بند «ب» ماده ۱۵ ق.ج.ر کفایت کند، این بدین معنی است که معاونت می‌تواند به‌طور شفاهی یا از طریق ارسال نامه یا هر روش دیگری به جز طرق مذکور در ق.ج.ر صورت گیرد. به‌عنوان مثال، «الف» با فرستادن نامه‌ای «ب» را تحریک می‌کند که «ج» را به خودکشی دعوت نماید. «ب» نیز طی یک مکالمه تلفنی، «ج» را دعوت به خودکشی می‌کند. در اینجا می‌شود گفت که «الف» هم در خودکشی «ج» دخالت نموده است زیرا باعث تحریک دعوت‌کننده شده است.

۸. دعوت به خودزنی منجر به مرگ

مستند به ماده ۵۱^۱ قانون جرایم مسلح مصوب ۱۳۸۲، دعوت به خودزنی، یعنی صدمه به خود، جرم نیست اما تردیدی که در بحث دعوت به خودزنی وجود دارد، این است که اگر دعوت به خودزنی منجر به کشتن خود شود، آیا دعوت به خودکشی تحقق پیدا می‌کند یا خیر؟

«الف»، از طریق مکالمه تصویری (video chat)، «ب» را دعوت می‌کند که با چاقو ضرباتی را به‌طور خاص به خود وارد آورد. اگر ضربه‌ای که «ب» به خود وارد می‌آورد، نوعاً کشنده باشد، دعوت در خودکشی محسوب می‌شود و در غیراین صورت، خیر، به‌عنوان مثال اگر «ب» به گفته «الف» ضربه‌ای به رگ دست خود وارد کند و در اثر این ضربه، جان خود را از دست بدهد، «الف» مرتکب جرم دعوت در خودکشی مذکور در بند «ب» ماده ۱۵ ق.ج.ر شده است زیرا این ضربه، صرف‌نظر از قصد «الف»، نوعاً کشنده است و منتهی به مرگ فرد می‌شود، اما، اگر «ب» بنا به دعوت «الف»، با چاقو یک ضربه به عضله

۱. ماده ۵۱- هر نظامی که برای فرار از کار یا انجام وظیفه و یا ارباب و تهدید فرمانده یا رئیس و یا هر مافوق دیگر یا برای تحصیل معافیت از خدمت و یا انتقال به مناطق مناسبتر و یا کسب امتیازات دیگر عمداً به خود صدمه وارد آورد یا تهدید به خودزنی نماید...

پای خود وارد آورد و این ضربه به واسطه بیماری کزاز منتهی به مرگ او شود، «الف» دعوت کننده به خودکشی محسوب نمی شود زیرا این ضربه نوعاً منجر به مرگ نمی شود، در واقع جرمی واقع نشده است زیرا خودزنی افراد عادی در قانون ایران، جرم انگاری نشده است. در نتیجه معاونت در آن هم جرم محسوب نمی شود مگر اینکه فرد نظامی باشد و معاونت در خودزنی نظامیان، صرف نظر از کشنده بودن یا غیر کشنده بودن عمل، جرم است.

نتیجه

مطابق با ماده ۱۵ ق.ج.ر، دعوت به خودکشی از طرق سامانه های رایانه ای، مخابراتی و حامل های داده، جرم است که مصادیق آن در عرف عام و خاص، قابل شناسایی است، هر چند که به نظر می رسد وسیله موضوعیت دارد ولی شایسته آن بود که قانونگذار، دعوت به خودکشی را محدود به استفاده از این ابزار نمی کرد زیرا وقتی با تماس تلفنی، دعوت به خودکشی جرم است، به طریق اولی بدون استفاده از تلفن هم اگر دعوت به خودکشی شود، باید جرم باشد.

در دعوت به خودکشی، روش خودکشی موضوعیت ندارد و فرقی نمی کند که خودکشی با روش مورد نظر دعوت کننده محقق شود یا خیر، زیرا واژه دعوت اطلاق دارد و مقید به انجام روش خاصی نشده است. دعوت، هم به صورت شفاهی امکان پذیر است و هم به صورت کتبی، اما آنچه مهم است، صراحت دعوت است. دعوت به خودکشی متمایز از پیشنهاد به خودکشی است زیرا در مورد اخیر، صراحتی وجود ندارد. برگشت از دعوت نمی تواند موجب زوال جرم شود زیرا این جرم، آنی است که عنصر مادی اش در یک لحظه واقع شده است. با توجه به تعریف «مخاطب» در بند «ج» ماده ۲ قانون تجارت الکترونیکی (۱۳۸۲)، دعوت باید به مباشرت انجام شود، نه اینکه فردی دیگر واسطه قرار گیرد، مگر اینکه عین مفاد دعوت با استفاده از ابزارهای مذکور در قانون، به شخص مذکور انتقال داده شود، به طوری که متن منتسب به دعوت کننده باشد. دعوت شونده باید مورد خطاب قرار گیرد و لزوماً باید معین باشد هر چند که اشتباه در هویت، تأثیری در ماهیت جرم ندارد. دعوت به خودکشی مقید به نتیجه نیست، هر چند برای تحقق آن سوءنیت خاص ضروری است. دعوت مشروط نیز به دلیل اینکه جرم، مقید به شرط و نتیجه ای نیست، واقع می شود. اما دعوت به امر محال، دعوت به خودکشی محسوب

نمی‌شود زیرا چنین دعوتی حاکی از عدم قصد است. در صورتی که دعوت‌شونده طفل غیرممیز یا مجنون باشد، دعوت‌کننده سبب اقوی از مباشر محسوب می‌شود. دعوت به خودکشی از نظریه مجرمیت مستقل تبعیت می‌کند زیرا ماده ۱۵ ق. ج. ر برخلاف ماده ۱۲۶ ق. م. ا (۱۳۹۲) تبصره‌ای در رابطه با وحدت قصد ندارد و در این ماده، این جرم به تحقق خودکشی موفق یا ناموفق منوط نشده است. دعوت به خودزنی در صورتی دعوت به خودکشی محسوب می‌شود که دعوت‌شونده، دعوت به وارد کردن ضربه کشنده‌ای به خود شده باشد. دعوت به خودکشی اگر دو یا چند طرفه باشد و با استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای، مخابراتی و حامل‌های داده انجام پذیرد، پیمان خودکشی محسوب و جرم است، هر چند طرفین، پس از بستن پیمان منصرف شوند.



منابع

الف: کتب

- قرآن کریم
- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۶)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ هفدهم، میزان.
- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۶)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، میزان.
- آرون، ریمون، (۱۳۸۱)، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه: باقر پرهام، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم.
- برندن، استیو، (۱۹۹۴)، مروری بر حقوق جزای انگلستان، ترجمه: حسین میرمحمدصادقی، حقوقدان.
- برندن، مانلی، (۱۳۸۵)، مبانی فناوری اطلاعات، ترجمه: کیوان سالمی فیه، انتشارات انستیتو ایز ایران.
- خوانساری، احمد، (۱۴۰۵)، جامع المدارک فی شرح المختصر المنافع، جلد هفتم، قم: مکتبه الصدوق.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، جلد هفتم، انتشارات دانشگاه تهران.
- طباطبائی، محمدحسین، (بی تا)، تفسیر المیزان، ترجمه محمدرضا صالحی کرمانی، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- قدسی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، قتل و صدمات بدنی، نشر شلفین، ساری.
- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۶)، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۶)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۳-۲-۱)، چاپ پانزدهم، میزان.
- نوربها، رضا، (۱۳۸۷)، زمینه حقوق جزای عمومی، گنج دانش.

ب: قوانین

- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۲
- قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲
- قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸
- قانون قتل انگلستان مصوب ۱۹۵۷
- کنوانسیون جرایم سایبر (۲۰۰۱)